





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

از آنجا که علوم بشری به تدریج تکامل یافته است دارای دوره‌ها و اطوار متعدّد است. در پاره‌ای از موارد در حوزه‌های مختلف علمی، تقسیم بندی بر اساس زمان انجام گرفته است. بررسی تاریخ علوم حاکی از آن است که این دسته‌بندی در علوم متعدد چه علوم طبیعی و چه انسانی قابل طرح و تأمل بوده و بالطبع حوزه‌ی علوم شیعی اعم از فلسفه، کلام، فقه، اصول و حدیث نیز از این قاعده مستثنا نبوده است.

آنچه مسالهی محوری در این مقاله است پیگیری این مرزبندی و زمان‌بندی در حوزه‌ی حدیث شیعی است. در علم حدیث، اصطلاح قدما و متأخران در حوزه‌ی اعتبارسنجی روایات در شناخت مقاطع و مراحل تطوّر این علم از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. البته این مرزبندی خود دارای علل، ریشه‌ها و بسترهایی در خور پژوهش است که تبیین آن‌ها در دفاع از میراث ماندگار اهل‌بیت علیهم‌السلام تأثیری ژرف دارد.

همان‌طور که از معنای لغوی دو اصطلاح «متقدّم و متأخر» مشخص است، این دو، دارای معنایی نسبی‌اند؛ یعنی اگر قراردادی در بین نباشد هر کس و هر دوره‌ای می‌تواند از این دو اصطلاح، معنای خاص خود را بفهمد و ارائه دهد. در واقع در سطح وسیع‌تر از حدیث شیعه، اصطلاح قدما و متأخران از سده‌ها قبل، بر چند دوره از علمای مکتب تشیّع در شاخه‌هایی از علوم، اطلاق شده است. وقتی در علوم متعدد، از علمای متقدّم و متأخر بحث می‌شود گاهی همان معنای لغوی منظور است. (مدرسی طباطبائی، ص ۲۹) و گاهی هم بر حسب قراردادهایی (نوشته یا نانوشته) بین دانشوران آن علم، معانی و محدوده‌های متفاوتی در تاریخ علوم شیعی و یا حتی غیر شیعی، مد نظر قرار گرفته است.

نکته‌ی بسیار حائز اهمیت در این بین آن است که با جستاری در آثار علمی علما و تحلیل تاریخی آن‌ها مشخص می‌شود که تفکیک دوران‌ها به خاطر تطور چشم‌گیر در حوزه‌ی تخصصی دوره‌ی متأخر نسبت به دوره‌ی متقدم و یا حصول اختلاف و چرخش در مبانی و رویکردها در پسینیان نسبت به پیشینیان رخ داده است و یک زمان‌بندی تاریخی صرف نیست بلکه ماهیت خود علم و تغییر مبانی و نگرش‌ها در این مسأله دخیل بوده است.

هرچند برخی انقلاب‌های علمی می‌تواند به عنوان نقطه‌ی شروع این تغییر و تطورها به حساب آید ولی از آنجا که پیشرفت علم، کمال تدریجی است ایجاد این‌گونه تطورها و چرخش در مبانی، غالباً به مرور رخ می‌دهد در نتیجه ادوار علوم تقریبی خواهد بود. بر این اساس، مرزی دقیق، میان قدما و متأخران تعریف شدنی نیست به گونه‌ای که مثلاً بگوییم: فلان سال نقطه‌ی شروع متأخران و فلان سال نقطه‌ی منتهای قدما به حساب می‌آید. با این اوصاف، طبیعی است که در اطلاق این دو اصطلاح بر مصادیق خود در یک علم، اختلافاتی وجود داشته و در علوم متعدد نیز اطلاق این اصطلاح متفاوت باشد. ما در ابتدا به اختصار این دوره‌ها را در برخی از علوم چون فلسفه، کلام و فقه مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس مرزبندی قدما و متأخران را در حوزه‌ی حدیث شیعی کاوش می‌کنیم.

## دوره‌های زمانی در علم فلسفه

ادوار تاریخی در فلسفه تا حدودی متفاوت از بقیه است چرا که تاریخ آن تا قبل از اسلام کشیده می‌شود و بستر را برای فلسفه اسلامی - شیعی فراهم می‌کند. به دوره اغاثادیمون، هرمس، انبازقلس، فیثاغورس، سقراط، افلاطون، ارسطاطالیس، ارسطو و.... دوره اقدمین گفته می‌شود. (العلوی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۸۷/ ارسطو، ۱۳۴۳ق، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۹ / ابن‌رشد، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۵۹ / شیخ اشراق، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۳۰۲ و ج ۲، ص ۲ / الشهرزوری، ۱۳۸۳ش، ص ۵۷۷ / ابن‌سینا، ۱۴۰۵ق، ص ۱۴ / ملاصدرا، ۱۳۶۳ش، ص ۳۹۸ و ص ۴۰۶ / ملاصدرا، بی‌تا، ص ۱۲۶ / ملاصدرا، ۱۳۶۰ش، ص ۲۸۸) و از دوره‌ای مثل فارابی، کندی و ابن‌سینا و شیخ اشراق و محقق خفری و خواجه نصیر طوسی و .... به دوره‌ی متقدمان یا قدماء یاد می‌شود. (فارابی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰ / سجادی، ۱۳۷۹ش، ص ۸ / اللوکری، ۱۳۷۳ش، ص ۸۷ / ابن‌رشد، ۱۹۹۳م، ص ۲۸۸ / العلوی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹ / صلیبا، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۸) و به دوره‌ی ملاصدرا و دشتکی و فیاض و دوانی و میرداماد و بعد از ایشان، متأخران اطلاق می‌شود. (آشتیانی، ۱۳۸۱ش، ص ۹۳ و ص ۲۸۶ /



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۵- کلام با غلبه اخباری‌گری (فیض کاشانی رحمته‌الله و برخی معاصرین ایشان)
- ۶- کلام با رویکرد ترکیبی از عقل، نقل، فلسفه و عرفان در دوره‌ی معاصر. (آغازگر این رویکرد ملاصدرا است و تاکنون ادامه دارد. افرادی چون علامه طباطبائی رحمته‌الله، شهید مطهری رحمته‌الله، آیت الله سبحانی، آیت الله جوادی آملی و... بر این رویه عمل نموده‌اند.)<sup>۱</sup>

### مرزبندی تاریخی در علم فقه

در فقه شیعه جماعتی از اهل فن، مراحل فقه را به دو دسته تقسیم نموده‌اند:

۱- مرحله‌ی متقدمان

۲- مرحله‌ی متأخران

مراد از مرحله‌ی متقدمان در متون فقهی نوشته شده در قرن ششم و هفتم (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳) فقه‌های عصر ائمه علیهم‌السلام و نزدیک به آن‌ها و مراد از متأخران، فقه‌های بعد از عصر ائمه علیهم‌السلام در عصر غیبت کبری، از حدود سال ۳۶۰ق به بعد است. (مدرسی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹) گاهی هم اصطلاح متقدمان بر شیخ طوسی (۴۶۰ق) و قبل از ایشان و اصطلاح متأخران به فقه‌های بعد از او گفته می‌شود. (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۸۴)<sup>۲</sup> از مشخصه‌های نگارش فقهی این دوره، نگارش قدمایی، در قالب فقه مأثور<sup>۳</sup> می‌باشد. برخلاف نگارش فقه متأخران، که فقهی تفریعی بوده است کتاب مبسوط شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نشانه‌ی و نقطه‌ی شروع این نوع نگارش در شیعه به شمار می‌رود.

پس از آن، معروف از متون فقهی بعد از قرن هفتم این است که محقق حلی (۶۷۶ق) و چه بسا علامه حلی (۷۲۶ق)، حد فاصل بین متقدمان و متأخران در این عرصه به حساب می‌آیند؛ به این معنا که قبل از ایشان افرادی چون

۱- این عدوره تصور برگرفته از کتاب «سیر تطور کلام شیعه» است (جبرئیلی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۹-۶۱) هرچند جای مناقشه در برخی از این موارد وجود دارد که در جایی دیگر قابل بررسی است. در این مقاله درصدد بیان اصل تاثیرگذاری در مرزبندی هستیم نه بررسی تک تک موارد.

۲- گرچی، به ابن‌ابی‌عقیل عمانی و ابن‌جنید، قدیمین اطلاق می‌کند. البته وی مسأله را به صورت دیگری بیان نموده است و دوره‌ها را بر اساس تحولات به وجود آمده در فقه بیان کرده است. (نک: ۱۳۷۹ش، ص ۱۴۲)

۳- تألیف کتاب‌هایی چون فقه الرضا علیه‌السلام، نوادر الحکمة، کتاب من لایحضره الفقیه و... را در این راستا می‌توان برشمرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

طاووس به بعد، دوره‌ی متأخران شمرده می‌شود. آیت الله خویی نیز ابن داوود حلی، شاگرد احمدبن طاووس (۷۰۷ق) و علامه حلی (۷۲۶ق) را از متأخران دانسته است. (۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲)

برخی نیز به گونه‌ای دیگر این تقسیم‌بندی را انجام داده‌اند. به اصحاب و علمایی که با ائمه علیهم‌السلام معاصر بودند «اقدمیین» اطلاق می‌کنند و از شروع دوره‌ی غیبت امام زمان علیه‌السلام یا حتی اواخر دوران حضور (دوره‌ی ائمه‌ی متأخر) تا زمان علامه حلی را دوران متقدمان و از زمان علامه به بعد را دوران متأخران می‌نامند. (بهبودی، ص ۴۰۳-۴۰۴)

جدای از مستندات مکتوب این زمان‌بندی در حدیث شیعه، با توجه به تحلیل‌های بعدی به نظر می‌رسد شروع دوره‌ی متأخران در حوزه‌ی حدیث شیعی را از زمان سیداحمدبن طاووس حلی و علامه حلی به خاطر عوض شدن ملاک ارزیابی روایات در این دوره توسط این عده از علمای مدرسه حدیثی حله، بایسته بدانیم که این خود نقطه‌ی عطف و جهش در تاریخ تحولات این علم به حساب می‌آید در حالی که ما قبل از این تاریخ، چنین تغییر نگرشی در ارزیابی روایات نداشته‌ایم. این تغییر مبنا و نگرش، خود منجر به سازکار جدیدی در حوزه‌ی ارزیابی روایات و هم پیدایش فقهی مبانی و ابزارهایی متفاوت از قبل و هم‌چنین تدوین و تألیف کتاب‌های رجالی و حدیثی متفاوت با قبل شد که در ادامه این نوشتار، اشاراتی به آن خواهد شد.

همان‌طور که بیان شد این مرزبندی‌ها تابع تطور علوم و برخاسته از بسترهایی چون اختلاف در مبانی و رویکردها و حتی تفاوت در بخش عمده‌ای از ماهیت و مسائل یک علم بوده است. (ن.ک: عبداللهی، ۱۳۸۷ش، ص ۹-۴۲) و حدیث شیعه هم از این قاعده مستثنی نیست. با بررسی‌هایی که در موارد استعمال این دو اصطلاح انجام گرفت این نکته نمایان شد که این دو در واقع نماد دو نوع طرز تفکر و مبنا بوده و بیانگر رویه‌ی علما و محدثان امامی در گزینش معیار ارزشگذاری روایات در دو دوره‌ی زمانی بوده است. به عنوان مثال وقتی «قدما» گفته می‌شود، مراد برهه‌ای طولانی از زمان است که عده‌ای از بزرگان طایفه‌ی امامیه در نقل و انتقال میراث اهل بیت علیهم‌السلام تابع فرهنگی ویژه و منحصر به





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

میراث حدیثی آن‌ها و تدوین کتاب‌های متعدد رجال بر اساس سند روایات بدون توجه گسترده به مصادر مکتوب آن،<sup>۱</sup> توسط آن‌ها مهم‌ترین گواه بر این مسأله است.

۲- منهج دوّم را بزرگان شیعه با ارشادات ائمه علیهم‌السلام پایه‌گذاری کردند<sup>۲</sup> که همان مبنای حصول وثوق به صدور روایت براساس قرائن داخلی و خارجی می‌باشد. (بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸-۲۷/ استرآبادی، و عاملی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۷۸-۱۷۶) این قرائن محدود نبوده بلکه هرآن‌چه قابلیت قرینیت در جهت بالا بردن آستانه‌ی اعتماد به میراث حدیثی یا کاستن از آن را داشت؛ می‌توانست شاهد و قرینه قرار گیرد. در این راستا، تحلیل فهرستی در ارزیابی مجموعه‌های حدیثی نیز جزء و یا بخش عمده‌ای از این منهج به شمار می‌آید و نقش اساسی و عمده‌ای را در بین قرائن به دوش می‌کشید. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۶)

در تحلیل رجالی، به راوی و جنبه‌های روایتی او توجه می‌شد و در تحلیل فهرستی به کتاب‌ها (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳-۴) و نسخه‌های آن (نجاشی، ۱۴۲۴ش، شماره‌های ۱، ۲، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۳۷، ۲۶۷، ۲۵۰، ۳۰۲، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۶۷، ۴۳۷، ۵۷۲، ۶۱۲، ۶۷۶، ۸۸۷، ۱۱۱۶) و طرق منتهی به کتاب‌های (همان، شماره‌های ۱۳۶، ۳۳۲، ۳۳۸، ۵۱۲، ۸۰۹، ۸۸۴، ۸۸۹/ موحد ابطحی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۷۵) و روایت‌ها<sup>۳</sup> توجه می‌شد. به عنوان نمونه واژگانی چون نقی‌الروایت (همان، ص ۱۸۶، ش ۴۹۲) صالح‌الروایت (همان، ص ۸۴، ش ۲۰۲)، واضح‌الروایت (همان، ص ۳۸۸، ش ۱۰۴۸؛ ص ۳۹۶، ش ۱۰۶۰)، قلیل‌السقط فی‌الروایت (همان، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸)، فاسد‌الروایت (همان، ص ۱۲۲، ش ۳۱۳؛ ص ۴۲۱، ش ۱۱۲۷)، مجفو‌الروایت (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۷، ش ۷۰)، مضطرب‌الروایت (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۲۲، ش ۳۱۳؛ ص ۴۲۱؛ ش ۱۱۲۷)، مخلطاً فیما یسنده (همان، ص ۳۷۳، ش

۱- البته این که آن‌ها به مصادر مکتوب در تألیف منابع رجالی توجه نداشتند به خاطر این بود که در ابتدا مصادر مکتوب قابل توجهی نداشتند و میراث‌شان حالت شفاهی داشت برخلاف شیعه که از همان ابتدا میراث حدیثی‌اش متصل به معصوم علیه‌السلام مکتوب گشت.

۲- در مجالی دیگر قرائن و مستندات این مهم را ارائه خواهیم نمود.

۳- البته روایت اینجا معنایی متفاوت با معنای مشهور و متعارف آن دارد و مفهومی فهرستی در آن نهفته است یعنی نقل کتاب‌های مؤلفان یا واسطه‌ی قرار گرفتن در نقل تراث مکتوب. در واقع راوی در نقش حامل تراث نقش می‌پذیرفت نه به عنوان صاحب تراث.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

قرن هفتم و هشتم، طلیعه‌ی جریان‌ی موازی در شیعه که به ارزیابی «رجالی صرف» روایات و ارزشگذاری آن‌ها «فقط بر اساس سند» در بین عده معدودی از علما می‌باشد. (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۳) این حرکت در واقع، عدول از مبنای متقدمان و عمل به همان منهج رایج بین اهل‌تسنن به شمار می‌رفت. این همان طلیعه‌ی مرزبندی جدیدی در شیعه در ناحیه اعتبارسنجی روایات به شمار می‌رفت.

### نمود ارزیابی متاخرین در قالب تألیفات آن‌ها

تألیف کتب رجالی مثل «خلاصة الاقول» علامه حلی (۷۲۶ق) و «کتاب الرجال» ابن‌داوود حلی (۷۰۷ق) بدون انعکاس منابع روایی متقدم شیعه و تألیفات روات و طرق به آن‌ها (تجريد کتب رجال از فهارس)، نشانی از آغاز این رویکرد در شیعه به شمار می‌رود. به عبارتی این آثار رجالی، «مؤلف محور»<sup>۱</sup> تألیف نشد بلکه راوی محور تألیف شد. به همین خاطر تألیفات روات و میزان اعتبار آن‌ها در این کتاب‌ها وارد نشد. از سوی دیگر، تألیف کتاب‌های حدیثی مثل «الدرر و المرجان فی الاحادیث الصحاح و الحسان» و «النهج الوضاح فی الاحادیث الصحاح» توسط علامه حلی (۷۲۶ق)، نمودی از آغاز این عدول از مبنای متقدمان در آن عصر است. بعد از علامه این رویکرد در تألیفاتی مثل «منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان» اثر صاحب معالم، ابومنصور حسن بن زین الدین، ملقب به جمال الدین، (۱۰۱۱ق) یا «الصحيح من الکافی» اثر محمد باقر بهبودی و یا «مشرعة بحار الانوار» اثر محمد آصف محسنی، ادامه پیدا کرد.

اصطلاحاً در بین علما و محدثان به این دسته از علما که به این منهج روی آوردند، «متأخران» اطلاق می‌شود و عده‌ای را که بر اساس روش اولیه‌ی شیعه مشی می‌کردند، «قدما» یا «متقدمان» یا «اقدمیمین» می‌نامند. در این اتخاذ مبنای اقدمیمین با قدما تفاوتی ندارند.

۱- این همان تفاوت اساسی در فرهنگ نقل و انتقال میراث حدیثی بین شیعه و اهل سنت به حساب می‌آید. ن.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ص ۷-۸؛ عمادی حائری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۳-۱۳۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

می‌کند که عده‌ای از معاصرانش به این نکته توجه نکرده و صحیح در اصطلاح قدما را همان صحیح نزد متأخران پنداشته‌اند در حالی که این دو اصطلاح با یکدیگر متفاوت‌اند. ایشان اشاره می‌دارد که قدما قطعاً اطلاعی از اصطلاح متأخران نداشته و نیازی هم به آن نداشتند. (العالمی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۴-۱۵)

بعد از صاحب معالم، شیخ بهایی (۱۰۳۰ق) در «مشرق‌الشمسین»، به این موضوع پرداخته است. ایشان به صورت مفصل به تفاوت دیدگاه قدما و متأخران پرداخته و ظرافت‌های بیشتری از تفاوت این دو مبنا را اظهار داشته است و حتی تعدادی از قرائن نزد قدما را هم نام می‌برد و سپس وجه عدول متأخران از مبنای قدما را بیان می‌دارد. شیخ در «مشرق‌الشمسین» این‌گونه آورده است:

«قد استقر اصطلاح المتأخرین من علمائنا علی تنویع الحدیث المعتبر ولو فی الجملة إلى الأنواع الثلاثة المشهورة أعنی الصحیح والحسن والموثق بأنه إن کان جمیع سلسله سنده إمامیین ممدوحین بالتوثیق فصحیح أو إمامیین ممدوحین بدونه کلاً أو بعضاً مع توثیق الباقي فحسن أو کانوا کلاً أو بعضاً غیر إمامیین مع توثیق الكل فموثق و هذا الاصطلاح لم یکن معروفاً بین قدمائنا قدس الله أرواحهم کما هو ظاهر لمن مارس کلامهم» (شیخ بهایی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴-۲۶)

سپس به تعریف معنای صحیح نزد قدما می‌پردازد و بیان می‌دارد که صحیح در اطلاق قدما به حدیثی گفته می‌شود که تقویت شود به واسطه‌ی چیزی که برای قدما ایجاد اعتماد کند و با چیزی همراه شود که وثوق بیافریند و قابل تکیه شود:

«بل کان المتعارف بینهم إطلاق الصحیح علی کل حدیث اعتضد بما یقتضی اعتمادهم علیه أو اقترن بما یوجب الوثوق به والركون إليه»  
سپس تعدادی از قرائن را می‌شمارد:

۱- وجود روایت در اصول اربعماء؛ ۲- تکرار روایت در یک اصل یا چند اصل؛ ۳- وجود روایت در اصلی معروف از اصحاب اجماع؛ ۴- وجود روایت در کتابی که بر ائمه علیهم‌السلام عرضه شده باشد. ۵- وجود روایت در کتب مشهوره‌ی معتمده. (همان، ص ۲۶-۲۹) البته قرائن محصور در این چند مورد نیست بلکه شیخ خواسته تعدادی از آن‌ها را به عنوان نمونه ذکر کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بعد از ایشان مرحوم فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) در مقدمه‌ی «الوافی» نیز به این نکته تصریح نموده است. ایشان تصریح می‌کند، که قدما، نگاه سندی صرف به روایات نمی‌کردند و آنها با این اصطلاح متأخرین آشنایی نداشته‌اند بلکه براساس قرائن، اطمینان به صدور روایت، پیدا می‌کردند و سپس دلایلی برای اثبات طریق قدما ارائه می‌کند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲)

در تحلیل و ارزیابی روایات در عصر حاضر به بهانه‌ی مفقود شدن قرائن اطمینان‌زا (مامقانی، مقباس الهدایت، ج ۱، ص ۱۸۲). کمتر به این دو مبنا در ارزش‌گذاری متون حدیثی توجه می‌شود در حالی که پرواضح است میراث روایی شیعه قرائن صدق خود را با خود حمل می‌کند و مهم‌ترین مصدر برای یافتن شواهد صدق روایت، خود متون روایی است. به هر صورت، ضروری است که در دفاع بنیادین از میراث علمی اهل‌بیت علیهم‌السلام به این مهم توجه مضاعف شود و کاوش‌های حدیثی در تبیین استواری این تراث ماندگار به این سمت هدایت شود. از آنجا که این بحثی به دراز می‌کشد، ان شاء الله در مجال دیگری به برخی از زوایای مهم این دو مبنا خواهیم پرداخت تا بسترها و مبانی اعتبار میراث حدیثی شیعه تبیین گردد.

### نتیجه‌گیری

زمانبندی تاریخی در حوزه‌ی حدیث شیعه، صرف نظر از اطلاع از دوره‌های تاریخ حدیث، در اعتبار سنجی روایات و انتخاب مبنا و معیار صحیح در این جهت بسیار تاثیرگذار است. با بررسی دقیق این مراحل تطور، می‌توان به قضاوت در صحت یا عدم صحت عدول از مبنای قدما توسط متأخرین، پرداخت. در عصر حاضر در تحلیل و ارزیابی روایات به بهانه‌ی مفقود شدن قرائن اطمینان‌زا کمتر به این دو مبنا در ارزش‌گذاری متون حدیثی توجه شده است در حالی که میراث روایی شیعه، قرائن صدق خود را با خود حمل می‌کند.





- ۱۳- بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، *الفوائد الحائریة*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ۱۴- همو، *مصابیح الظلام*، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- ۱۵- جبرئیلی، محمد صفر، *سیر تطور کلام شیعه* (دفتر دوم: از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- ۱۶- الجرجانی، عبدالله بن عدی (۳۶۵ق)، *الکامل فی ضعف الرجال*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- ۱۷- جعفریان، رسول، *دوازده رساله‌ی فقهی درباره‌ی نماز جمعه*، مؤسسه انصاریان، چاپ اول، قم، ۱۴۲۳ق (این رساله‌ها تألیف جمعی از علمای بزرگ در زمان دولت صفویه می‌باشد).
- ۱۸- جمیل صلیبا، *المعجم الفلسفی (فرهنگ نامه‌ی فلسفی)*، الشركة العالمیة للکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۱۹- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۴۰۵ق)، *معرفة علوم الحدیث*، تحقیق: السید معظم حسین، بیروت دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۳۹۷ق.
- ۲۰- حلّی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ق)، *مصحح: سید علی میلانی*، شرح منهاج *الکرامه*، هجرت و میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- ۲۱- حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۶۷۶ق)، *المعتبر فی شرح المختصر*، محققان: محمد علی حیدری، سید مهدی شمس‌الدین، سید ابو محمد مرتضوی، سید علی موسوی، قم، مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- ۲۲- همو، *نکت‌النهائیت‌النهائیت و نکتها*، مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۲۳- حیدر حب‌الله، *علم الکلام المعاصر*، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱ش.
- ۲۴- خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت (۴۶۳ق)، *الکفایت فی علم الروایت*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ق.
- ۲۵- خوبی، سید ابو القاسم، *معجم رجال الحدیث*، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة، بی‌جا، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۳۹- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه‌ی قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ۴۰- طباطبایی، سید حسین مدرس، مصحح: محمد آصف فکرت، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- ۴۱- طباطبائی، سید محمد کاظم، *تاریخ حدیث شیعه (۲) عصر غیبت*، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- ۴۲- طوسی (۴۶۰ق)، ابو جعفر محمد بن حسن، *العدة فی اصول الفقه*، قم، ناشر: محمد تقی علاقبندیان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ۴۳- همو، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ۴۴- همو، *فهرست کتب الشیعه و أصولهم (الفهرست)*، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه‌ی المحقق الطباطبائی، چاپ نخست، ۱۴۲۰ق.
- ۴۵- عاملی، حسن بن زین الدین بن علی بن احمد، *منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح و الاحسان*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم، چاپخانه اسلامیة، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- ۴۶- عاملی، بهاء الدین محمد بن حسین (۱۰۳۱ق)، *مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین مع تعلیقات الخواجوئی*، شارح: مازندرانی، خاتون آبادی (محمد) اسماعیل خواجوئی، محقق: سید مهدی رجائی، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ دوم، مشهد، ۱۴۱۴ق.
- ۴۷- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ۴۸- عبداللهی، مهدی و خسروپناه، عبدالحسین، مقاله‌ی «پژوهشی در ماهیت کلام جدید»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره پانزدهم، سال ۱۳۸۷، ص ۴۲-۹.
- ۴۹- عراقی، ضیاء الدین، *نهایت الأفكار*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۶۲- گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، جامع المسائل، دفتر معظم‌له، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
- ۶۳- گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، محقق و مصحح: مرتضی رضوی، مؤسسه کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۳ق.
- ۶۴- لاهیجی، ملا عبدالرزاق، گوهر مراد، کتاب فروشی اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ق.
- ۶۵- اللوکری (۵۰۳ق)، ابوالعباس، بیان الحق بضمان الصدق، مقدمه و تحقیق: دکتر سید ابراهیم دیباجی، تهران، مؤسسه‌ی بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی، ۱۳۷۳ش.
- ۶۶- مدرسی طباطبائی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، مترجم: محمد آصف، فکرت، ۱۴۱۰ق.
- ۶۷- محقق خراسانی، کفایت الأصول، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- ۶۸- مقداد، فاضل (۸۷۶ق)، اللوامع الالهية، دفتر تبلیغات اسلامی، تحقیق و تعلیق: شهید قاضی طباطبائی، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۲ق.
- ۶۹- مغنیه، محمد جواد (۱۴۰۰ق)، فقه الإمام الصادق علیه السلام، مؤسسه انصاریان، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۱ق.
- ۷۰- موحد ابطحی، محمدعلی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، قم، مطبعة سيدالشهداء علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
- ۷۱- میرحامد حسین (۱۳۰۶ق)، عبقات الانوار، ناشر: کتابخانه امیر المومنین علیه السلام، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۶۶ش.
- ۷۲- میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات گیلانی، مصحح: مرتضی رضوی، مؤسسه‌ی کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- ۷۳- نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- ۷۴- نجاشی، احمد بن علی، فهرست نجاشی (رجال النجاشی)، تحقیق: آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۲۴ق.
- ۷۵- نوری، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، تحقیق مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ق.
- ۷۶- النووی، یحیی بن شرف (۶۷۶ق)، شرح صحیح مسلم، تحقیق: جماعه من العلماء باشراف الناشر (احمد اکرم الطباع)، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.